

جبهه متحد نیروهای خلقی برای پیشبرد خط امام و ثبته غلبه بر ضد انقلاب است

□ چرا به تبلیغات دوسویه علیه امام و علیه توده ایها دست میزنند؟



ارگان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۴۱
یکشنبه ۲۳ دیماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریال

باید با ضد انقلاب باقاطعیت رو برو شد

نیروهای انقلابی رو برو نشود، جری میشود. بنابراین باید با قاطعیت انقلابی با ضد انقلاب رو برو شد. نباید به ضد انقلاب امان داد. باید مقاومت او را شکست. باید او را سرکوب کرد. باید ریشه او را بر کند.

تناسب قوای انقلابی و ضد انقلابی بود انقلاب و بهزیان ضد انقلاب عظیم است. توده های میلیونی مردم در سراسر کشور، سربازان فدائیان انقلابی، این واقعه ای است که بار دیگر در راه پیمائیهای روز اربعین در پیته کشور نمایان شد. این توده های میلیونی بر احسی میتوانند تمام سئوهای ضد انقلاب را در همه جای کشور بر احسی در هم کوبند. منتها باید این نیروها را بسیج کرد و آنها را در جبهه متحد خلق متشکل ساخت.

جبهه متحد خلق - چنانکه تشکیل باید نیروی است که چون تندباد می تواند ضد انقلاب را چون خس و خاشاک برود. ضد انقلاب داخلی دست ضد انقلاب بین المللی بر سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا است.

لحظه ای نباید این واقعه را از نظر دور داشت. این آمریکاست که مستقیم و غیر مستقیم بکمک متحدین دست نشانده گان خود، در سد شکستن انقلاب ایران و هر انقلاب ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و خلقی دیگری است. امپریالیسم آمریکا دشمن خلیه گر، سفاک و خونخوار خلق ما و همه خلقهای جهان است. ضد انقلاب داخلی به نقشه های شیطانی امپریالیسم آمریکا امید بسته است. ضد انقلاب داخلی بوسیله امپریالیسم آمریکا اداره میشود. از آمریکا دست نشانده گان و عمالش پول و اسلحه میگیرد. جان سختی او از اینجاست. چون ضد انقلاب داخلی مستون پنجم امپریالیسم آمریکا است. نباید بدان که با داد، دلخوش کردن پانیکه ضد انقلاب داخلی در برابر نیروهای انقلابی ضعیف است و در نتیجه مسامحه در سرکوب ضد انقلاب داخلی میتواند برای انقلاب گران تمام شود. کمک امپریالیسم آمریکا، متحدان و عمالش به ضد انقلاب داخلی همه جانبه است. اگر در سرکوب بوقع او غفلت شود، میتواند کسب نیرو کند. باید با قاطعیت با ضد انقلاب رو برو شد.

نبرد بین جبهه انقلاب با ضد انقلاب شهادت زیادی به جنگ دارد. در جنگ اگر دشمن دچار شکست شد و مسجور به عقب نشینی و ترک مواضع مقدم گردید، دیگر نباید باو مجال داد. باید با تمام قدرت او را متقیب کرد و نگذاشت که نفس تازه کند. باید مواضع را یکی پس از دیگری از او گرفت. نباید کمترین فرصتی برای تجدید آرایش قوا باو داد. باید تشکل نیروهای او را متلاشی کرد و او را به زیمت مجبور ساخت و تا شکست کامل باید آرام را از او گرفت. باید نیروهای او را بکلی منهدم ساخت. وقایع روزهای اخیر تبریز هشدار دهنده است. باید از این وقایع نه فقط برای تبریز، بلکه برای سراسر کشور به عنوان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران نتیجه لازم را گرفت. باید نتیجه گرفت که راه غلبه بر ضد انقلاب یکی است و دو تائیس: باید با قاطعیت با ضد انقلاب رو برو شد. باید این ریشه گندیده رژیم دست نشانده «امریکائی-شاهنشاهی» را بر کند. نه فقط در تبریز و آذربایجان، بلکه در سراسر ایران. نیروی که بر احسی میتواند این ریشه گندیده را بر کند، جبهه متحد خلق است.

ضد انقلاب در این روزها خشمگین است. نقاب های ریکاری، از جمله آخرین نقاب فریبکارانه «روحانی نمائی» از چهره ضد انقلاب برگرفته شده و در نتیجه، ضد انقلاب عریان در معرض دید توده های مردم قرار گرفته، لذا خشمگین است و گستاخ عمل میکند. گروههای چماق بدست که بر مردم حمله ور میشوند، آتش افروزی که بانک و خانه و کمپته را با آتش میکشند، آدم کشانی که بروی انبوه مردم تیراندازی میکنند - این همان ضد انقلاب «امریکائی - شاهنشاهی» است. پس مانده ضد انقلاب «امریکائی-شاهنشاهی» است که مدتی امید داشت از روی «پل» سازشکاران بگذرد و از پشت به انقلاب خنجر زند و اینک که این «پل» را شکسته می بیند، نومیدانه در جبهه حمله ور شده است.

ضد انقلاب - هیچ ضد انقلابی - خود بخود تسلیم نمیشود. ضد انقلاب تا نفس دردمی کشد، ضد انقلاب - هر ضد انقلابی - اگر با قاطعیت

کشف شبکه تروریستی فرقان پیروزی انقلاب بر ضد انقلاب است

□ دستگیر شدگان باید در دادگاه علنی محاکمه شوند.

□ باید سرخ های دیگر هم بدست بیایند.

کشف شبکه تروریستی فرقان و دستگیری بیست تن از اعضای این شبکه و منجمله رهبر شبکه، یکی از پیروزیهای است که در اثر فعالیت ممتد و شجاعانه سپاه پاسداران انقلاب بدست آمده است. در حقیقت میتوان گفت این نخستین بار است که گروهی از دشمنان انقلاب، که در زیر نقاب «اسلام» میکوشند بر انقلاب ضربت وارد کنند، سرانجام بدام افتاده و دستگیر شده اند. از این رو فعالیت سپاه پاسداران در خور تقدیر است.

باینکه اعلام شده است که رهبر این گروه بنام محمد کوردی بقیه در صفحه ۲

دفتر «حزب خلق مسلمان» - کانون ضد انقلاب در تبریز - به تصرف سپاه پاسداران درآمد

بدینال تصرف کمیته «ایرانی» توسط سپاه پاسداران، که یکی از پایگاههای مهم «حزب خلق مسلمان» بود، ساعت ۳ صبح دیروز دفتر «حزب خلق مسلمان» در تبریز درگیری مسلحانه چند ساعته بدست سپاه پاسداران افتاد. طی این درگیری، یکی از افراد سپاه پاسداران شهید شد، و تعدادی از اعضای حزب فوق دستگیر شدند. گفته می شود در این دفتر، کمترین پایگاه عملیاتی و تبلیغاتی «حزب خلق مسلمان» بود. تعداد زیادی عکس شامخ و مملو از دستگوشی و همچنین اسنادی از فتوایها و سرما به داران، که با «حزب خلق مسلمان» رابطه داشته اند، بدست آمده است. همینطور عده ای از طرفداران این «حزب»، که فریب دیروز در جاده مرند - تبریز راه را بر مسافری بسته بودند، در یک درگیری مسلحانه توسط سپاه پاسداران دستگیر و به دادگاه انقلاب اسلامی تحویل داده شدند. شایان ذکر است که دیروز دادگاه انقلاب اسلامی اعلام کرد که ۱۱ نفر، که در حوادث اخیر تبریز نقش مهمی داشته اند، ساعت ۸ صبح دیروز تیرباران شدند.

در این وقایع، صبح دیروز «حزب خلق مسلمان» از هواداران این «حزب» در بازار، چهارده متصدین و خیابان منجم دست به راه پیمائی و تظاهرات موضعی زدند. این عده با توسل به زور بازار را به تعطیلی کشانیدند، به زنان و مردانی که در بازار بودند، حمله کردند و باعث مجروح شدن چند نفر شدند. عده فوق الذکر همچنین شیشه های چند بانک را شکستند و آنها را با آتش کشیدند. همچنین صبح دیروز ضد انقلابیون «خلق مسلمان» به چند دبیرستان یورش بردند و دانش آموزان را زور از کلاس ها بیرون کشیدند و بدین وسیله مدارس را، که بعد از یک هفته تعطیل باز شده بود، دیگر بار به تعطیلی کشانیدند. اینان با چاقو، چماق، دشنه و ... در حالیکه سرسورتنان را پوشتانده بودند، به مدارس تبریز، از جمله دبیرستانهای فردوسی، نقه الاسلام، دهقان و ... حمله کردند. دفتر دبیران را به هم ریختند، مدارک و اسناد را پاره کردند

نام نویسی در حزب توده ایران
کلرک انوز حمتکشان هوادار حزب توده ایران که کمیلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار ندارند، میتوانند روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۲ تا ۵ بعد از ظهر

دبیر کل حزب کمونیست فرانسه:

اتحاد شوروی ب موجب پیمان دوستی و همکاری با افغانستان به این کشور کمک کرده است و هدف این کمک آن است که از حمله شورشیان از خارج به افغانستان جلوگیری شود. مارش گفت که با توجه به وجود سی پایگاه برای آموزش شورشیان افغانی در پاکستان، این کمک صورت گرفته است. مارش گفت که باید در چهار چوب شرایط جهانی کمک اتحاد شوروی را مورد بررسی قرار داد، زیرا کشورهای امپریالیستی در پی شکستهای سالهای اخیر سعی داشتند از طریق پاکستان به افغانستان حمله کنند. مارش اضافه کرد که ما با صدور انقلاب مخالفیم، اما بهمان اندازه نیز با صدور ضد انقلاب مخالفیم.

زرمارشه دبیر کل حزب کمونیست فرانسه در مصاحبه ای با تلویزیون فرانسه گفت که اتحاد شوروی ب موجب پیمان دوستی و همکاری با افغانستان به این کشور کمک کرده است و هدف این کمک آن است که از حمله شورشیان از خارج به افغانستان جلوگیری شود. مارش گفت که با توجه به وجود سی پایگاه برای آموزش شورشیان افغانی در پاکستان، این کمک صورت گرفته است. مارش گفت که باید در چهار چوب شرایط جهانی کمک اتحاد شوروی را مورد بررسی قرار داد، زیرا کشورهای امپریالیستی در پی شکستهای سالهای اخیر سعی داشتند از طریق پاکستان به افغانستان حمله کنند. مارش اضافه کرد که ما با صدور انقلاب مخالفیم، اما بهمان اندازه نیز با صدور ضد انقلاب مخالفیم.

پیام همبستگی جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین به حزب توده ایران

رفقای گرامی نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران،
درفقای گرامی اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
به شما و تمام رفقای رزمنده عضو حزب قهرمانان شما درودهای رفیقانه و گرم حاکی از همبستگی با شما را میفرستیم.
از این فرصت استفاده می کنیم و همبستگی بی پایان خود را با انقلاب خلقهای ایران، انقلاب ملی و دمکراتیک شکوهمند پرهیزی مجاهد بزرگ ملی آیت الله روح الله الخمنی را ابراز می داریم. همچنین همبستگی خود را با مبارزه قهرمانانه حزب توده ایران در راه وحدت نیروهای ملی و مترقی و برای تأمین گسترش انقلاب ضد امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، از یکطرف، و برای گشایش دورنمای رشد اجتماعی و ترقی و تحقق وظایف انقلاب ملی و دمکراتیک از طرف دیگر ابراز می داریم.

رفقای عزیز!
خلق مبارز عرب فلسطین به برادری شما، که او را با توده های خلقهای ایران در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد سوسیالیستی و ضد استعماری پیوند میدهد، افتخار میکند.
امروز خلق ما با تصمیم قاطع راه مبارزه را در کنار دیگر خلقهای برادر پرهیزی نیروهای متحد مترقی، راه مبارزه برای شکست قراردادهای کمپ دویس و قراردادهای خیانت کارانه سادات - اسرائیل را دنبال میکند. این مبارزه را ما برای اینکه خلق ما بتواند حقوق حقه ملی خود را عملی سازد و به همین خود برود و حق او در برقراری دولت مستقل ملی، پرهیزی سازمان آزادیبخش فلسطین، یگان نماینده قانونی خلق ما، بگشاید.
رفقای گرامی!
مبارزان جبهه ما به مناسبات رفیقانه حزب شما وجهه ما افتخار میکنند.

درد بردشده ای جاودان!
زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!
نایف حواتمه دبیر کل کمیته مرکزی جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

چرا ضد انقلاب میتواند از انتخابات ریاست جمهوری سوء استفاده کند؟

انتخابات ریاست جمهوری، واقعه مهمی در روند انقلابی کشور ما محسوب میشود. با انجام انتخابات ریاست جمهوری، یکی دیگر از نهادهای پراهمیت جمهوری اسلامی ایران برقرار و تحکیم میشود و انقلاب ۳۳ بزرگ دیگری بجانب تحکیم و گسترش دستاوردهای خود بر میدارد. به همین دلیل هم ضد انقلاب تمامی تلاش و کوشش خود را بکار می بندد تا در این امر اختلال کند، آنرا بی اعتبار سازد و بر تشنج بیفزاید. توطئه های ضد انقلاب در گوشه و کنار کشور، آنگاه در آستانه این انتخابات و همچنین انتخابات مجلس شورای ملی گواه بارزی بر صحت این مدعاست.

ضد انقلاب از یکطرف با ایجاد تحریکات، درگیریهایی و برادرکشی در نقاط مختلف کشور، میکوشد تا این فکر را در اذهان مردم رسوخ دهد که هر چه و مرج، تشتت و ناآرامی را پایانی نیست، او میکوشد تا با تحریکات خود مردم را خسته سازد و آنها را برای پذیرش یک قدرت ناخوانده، یک «مرد نیرومند» که اوضاع را به سامان برساند و ناآرامیها را فرونشاند، آماده سازد.
از طرف دیگر ضد انقلاب برای بر اعتبار کردن و بستن نمودن انتخابات ریاست جمهوری، عمال خود را به سخته کارزار انتخاباتی گسیل میدارد تا هم بر تشتت بیفزایند، هم مردم را نسبت به آینده انقلاب بدبین و دل سرد کند و هم

خط امام، خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران است مردم ایران، با ریاست جمهره، به فری رای میدهند که عمیقاً وفادار به خط امام باشد

دفتر «حزب خلق مسلمان»...

بقیه از صفحه ۱

در یک مدرسه حتی اسطاق مستخدمین را با تشک کشیدند، تا پلوی گروههای سیاسی و شیشه‌های مدرسه را در هم شکستند و بدین سان همچون دزدخیمان پهلوی به محیط مقدس آموزشی تجاوز کردند. جالب توجه اینجاست که در دبیرستان فردوسی این عده مخفیانه عکس شاه مخلوع را به دیوار یکی از کلاسها نصب کردند، که این عمل با اعتراض شدید دانش‌آموزان مواجه شد. اکنون دانش‌آموزان ایران بدین مناسبت اعلامیه‌ای انتشار داد و عمل ضدانقلابیون را در حمله به مدارس به شدت محکوم کرد. مسئله‌ای که جلب نظر می‌کرد کار خیر نگاران شری بود که با به پا بدنبال ضدانقلابیون هستند. هرچا که عملی توسط ضدانقلابیون «خلق مسلمان» صورت بگیرد، این آقایان نیز حضور دارند. مسئله جالب دیگر پیدایش گروه‌های خلق‌الساعه مثل «قسم‌خوردگان نجات دهنده انقلاب اسلامی»، «مسلمانان باخاسته تبریز»، «مبارزان اسلام راستین ایران» و غیره است، که هدف اصلی آنها در اعلامیه‌های منتشره از جانب این گروهها آشکار است، توهین به رهبری انقلاب و تحریک مردم علیه آن و ناسزاگویی به توده‌ها.

کشف شبکه تروریستی فرقان...

بقیه از صفحه ۱

بدام افتاده و گرفتار شده است و آنچه باقی مانده، فقط تمانده‌های این گروه هستند، که ممکن است بقصد تلافی دست باعمال جنایت‌کارانه دیگری بزنند، اما برای این پرسش مطرح است که آیا بواقع کار بهمین‌جا ختم میشود و فرقی آن تمانده‌ها هم شناخته و توقیف شوند، ریشه این ماده فسادکننده شده است؟

ماملط را تا بدین حد ساده نمی‌گیریم و این احتمال را دور نمیدانیم که گروه دستگیر شده فرقان، ولو اینکه اسماً زیر رهبری محمد گودرزی عمل میکرده‌اند، اما مجموعاً آلت دست کسانی هستند که خود در پشت پرده نشسته‌اند و این گروه را اداره میکنند و مقاصد خود را بدست آنها انجام میدهند.

آنچه بیشتر این گمان را در ما برمی‌انگیزد، اظهارات یکی از مسئولین سپاه است. در مورد فهرست اسامی کسانی که میبایست بدست این گروه ترورشوند، وی اظهار داشته است که مسئله مهمتری که خوشبختانه ختم شده، طرح ترور چند نفر از شخصیت‌ها بود که در محل استقرار گروه فرقان بدست آمد. این مسئول سپاه پاسداران انقلاب در یک مصاحبه مطبوعاتی واقعیت دیگری را افشاء کرده و همین مطلب است که نظر ما را در مورد اینکه گروه معروف به فرقان، یک گروه مستقل نمیتواند باشد و با احتمال قریب یقین آلت دست پشت پرده نشینانی است که باید پرده را از روی آنها برداشته، تأیید میکند. یک مسئول سپاه پاسداران انقلاب در این مصاحبه میگوید: «مقاماتی که برنامه ترور آنها طرح شده بود از اعضای شورای انقلاب نبودند. آنها از افراد فعالی بودند که در رابطه با امام در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فعالیت میکردند و واقعاً تلاش‌های پیکری در این زمینه انجام داده‌اند و اکثر آنها هم جز روحانیت بوده‌اند.»

ملاحظه میکنید که مطلب کوچک نیست. در اینجا پسای اطرافیان فعال رهبری انقلاب می‌آید که معلوم نیست که اگر در کار خود موفق میشدند، کار را بالاتر نمیرسانیدند. بنابراین طبیعی است که برای هر کسی این پرسش باید مطرح باشد که آیا بواقع این فقط گودرزی و عده‌ای از اطرافیان او است که در صدد بوده‌اند بدین نحو تیشه بریشه انقلاب بزنند؟ گمان نمیرود. اینها حقیرتر و کوچکتر از آنند که از خود اسامی داشته باشند و مستقل عمل کنند. امثال گودرزی را دستهای نیرومندتری میگردانند، دستهایی که طراحان نقشهای خطرناک هستند و آنها را برای اجرا بدست گودرزی‌ها میدهند.

تازه مطلب در اینجا هم نمیتواند به پایان خود برسد. این دستهای نامرئی تنها از داخل کشور عمل نمیکند، بلکه دست آنها در دست دشمنان سرسخت و سوگند خورده خارجی انقلاب و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا است و دامنه توطئه احمادی گسترده‌تر از آن دارد که ظاهر آن نشان میدهد. باین ملاحظات، بنظر ما، این دستها بیکار نخواهند نشست و برای اینکه بتوانند چهره کریه خود را همچنان پوشیده نگه دارند بهر کاری دست خواهند زد که این آلتیهای بلا اراده و خود فروخته را اندر ترس خارج سازند. برای ختمی کردن هر گونه توطئه ممکن

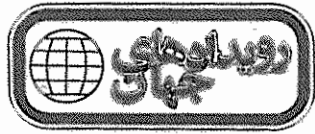
بقیه از صفحه ۱

خوراک مناسبی برای کارزار تبلیغاتی خویش علیه انقلاب ایران و به مسخره گرفتن آن در انتظار عمومی جهانیان، تأمین کند.

آنچه در اینجا مورد بحث ماست، هدف نخست ضد انقلاب نیست. این امری است که باید با هشیاری توده‌های انقلابی مردم، همچون دیگر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران خنثی شود و خواهد شد. سخن ما آنست که برآ و چگونه ضدانقلاب می‌تواند کارزار پراهمیت و سرنوشت‌ساز نخستین رئیس جمهور ایران را به مسخره گیرد و از آن برای پیشبرد مقاصد سوء خویش استفاده کند. حجت‌الاسلام موسوی خوئینی در روز جمعه، در مقابل صدها هزار نمازگزار، سخنرانی خود را به افشای توطئه‌های ضدانقلاب در این امر بنایت مهم اختصاص داد و پرده از این توطئه‌ها بر گرفت. وی با اعلام اینکه ۱۰۶ نفر تا جمعه کاندیدای ریاست جمهوری بوده‌اند، شکستی خود را ابراز داشت و گفت: «در کجای دنیا سراغ دارید، چنین چیزی را راه وی بدرستی افزود که:

«یقیناً این تعداد فراوان نامزدهای ریاست جمهوری برای ملت ایران به مفهوم آزادی و دموکراسی تفسیر نمیشود. به معنی هرج و مرج، به معنی بی‌ضابطه بودن، به معنی بی‌قاعده‌گی است.»

او افزود که دشمن میخواهد ساله ریاست جمهوری را به «افشاح» و «هرج و مرج» بکشاند و «در انتظار جهانیان نظام جمهوری اسلامی ایران را آفت‌زده به‌بندال بکشاند که دنیا این چنین قضاوت کند که (ملت ایران) یک ملت بی‌ضابطه، یک ملت بی‌قاعده (است) که هر کسی می‌تواند خود را نامزد ریاست جمهوری کند» او همچنین گفت که این عمل ضدانقلاب «اساساً اهداف



جبهه خلق برای آزادی فلسطین از کمک اتحاد شوروی به افغانستان حمایت میکند

بسام ابوشریف سخنگوی جبهه خلق برای آزادی فلسطین، که رهبری آنرا زرزحش بعهده دارد، گفت که این جبهه حمایت خود را از کمک اتحاد شوروی به افغانستان اعلام میکند. بسام ابوشریف گفت که این امر کاملاً طبیعی است که نیروها و گروههای مترقی در افغانستان از دولت خواسته باشند نیروهای کشور را علیه امپریالیسم جهانی، که در صدد سرکوب کردن انقلاب افغانستان است، بسیج کند.

جیمی کارتر با پیشوایان به مبارزان انقلابی ایران توهین میکند

کارتر خطاب به عده‌ای از نمایندگان کانگریس، «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» را «تروریست» خواند و گفت که این عده دانشجو نیستند، بلکه «تروریست» هستند. جودی پاول سخنگوی کانگریس نیز گفت این «تروریست»ها در فکر مملکت نیستند (۱) و به نیازهای مردم آگاهی ندارند! لایحه امپریالیسم جهانخواه آمریکا کاملاً به نیازهای مردم ایران آگاه است!

مناسبات حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست فرانسه بر اساس همبستگی انترناسیونالیستی و برابری و استقلال استوار است

مذاکرات رسمی هیات نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی به ریاست لئونید برژنف و هیات نمایندگی حزب کمونیست فرانسه به رهبری زرزمارش، در مسکو پایان یافت. دو حزب در یک بیانیه مشترک اعلام کردند که در زمینه‌های مختلف، از جمله در مورد مسائل بین-المللی و روابط میان دو کشور و دو حزب به تبادل نظر پرداخته‌اند. احزاب کمونیست اتحاد شوروی و فرانسه اعلام کردند که صلح و آرامش برای آرمان سوسیالیسم اهمیت اساسی دارد و امپریالیسم، که دیگر نمیتواند مانند گذشته عمل کند، اکنون از وسایل مختلف برای ایجاد مانع در راه آزادی خلقها استفاده میکند. دو حزب اعلام کردند که تشنج‌زدائی سیاسی باید با تشنج‌زدائی نظامی همراه شود و تصمیم‌ها را در مورد استقرار موشک‌های هسته‌ای در اروپای غربی محکوم کردند. احزاب کمونیست اتحاد شوروی و فرانسه تأکید کردند که روابط دو حزب بر اساس همبستگی انترناسیونالیستی و برابری و استقلال استوار است.

جاسوس آمریکایی از افغانستان اخراج شد

یک توطئه خرابکاری و جاسوسی امپریالیسم آمریکا در افغانستان کشف شد. به دستور دولت افغانستان، چارلز مونر، جاسوس آمریکایی، که زیر پوشش فعالیت‌های مخفی، علیه دولت افغانستان دست به خرابکاری زده بود، از این کشور اخراج شد. مونر که مشغول میسیون کاتولیک‌ها بود، با سوءاستفاده از مقام خود دست به جاسوسی زده و کسانیک را بوی‌مرجمه می‌کردند، علیه دولت تحریک میکرد، دولت افغانستان اعلام کرد که مونر تعداد زیادی اوراق تبلیغاتی، که از پاکستان فرستاده میشد، دریافت و آنها را توزیع کرده است.

در این زمینه، ما خواستار آنیم که اولاً هر چه در دسترس ریاست محاکمه این گروه آغاز کرد. ثانیاً محاکمه بطور علنی صورت گیرد و از تلویزیون پخش شود تا مردم ایران بدانند در نبرد حیاتی خود برای پیشبرد انقلاب با چه موانعی سروکار دارند و چه دستهایی علیه انقلاب در کارند و چه نقشه‌هایی وجود دارد که حلقه توطئه را مخصوصاً در دربار امون رهبر انقلاب تنگتر کنند.

توطئه‌ها را هر چه وسیعتر افشاء کنید! بگذارید مردم چهره اهریمنی دشمنان داخلی و خارجی خود را هر چه بیشتر و بهتر بشناسند، توطئه‌ها را بدینوسیله خنثی کنید!

حزب کمونیست یونان از کمک اتحاد شوروی به افغانستان پشتیبانی میکند

حزب کمونیست یونان اعلام کرد که از کمک اتحاد شوروی به افغانستان کاملاً پشتیبانی میکند، زیرا این کمک برای مقابله با تجاوز ضدانقلاب و توطئه خارجی صورت گرفته است.

دولت هند تحولات افغانستان را یک مسئله داخلی اعلام کرد

رهبان کشورهای سوسیالیستی، از جمله رهبان اتحاد شوروی و ویتنام، بمناسبت پیروزی بانو ایندرا گاندی در انتخابات هند، پیام‌های شادباش برای وی ارسال داشته‌اند. رهبان اتحاد شوروی اعلام کردند که مردم شوروی برای بانو گاندی احترام ویژه‌ای قائل‌اند. در انتخابات هند، حزب کانگریس ملی بر رهبری بانو گاندی پیروزی بزرگی بدست آورد. از سوی دیگر دو حزب کمونیست این کشور نیز با وحدت عمل توانستند ۵۳ کرسی بدست آورند. در این میان دولت جدید هند اعلام کرد که بهت‌های شورای امنیت در مورد افغانستان تنها به تشدید دخالت منجر خواهد شد. دولت هند تحولات افغانستان را یک مسئله داخلی اعلام کرد و گفت که باید این تحولات در بر توفالیت‌های خرابکارانه از خارج علیه افغانستان مورد توجه قرار گیرد.

آمریکای رژیم‌های دست‌نشانده خود را علیه افغانستان تجهیز میکند

امپریالیسم آمریکایی تلاش دارد بکمک رژیم‌های سرپرده خود در منطقه، کنفرانسی از کشورهای اسلامی و دموکراسی‌ها با صلاح افغانستان تشکیل دهد. بنا به گزارشهای منابع آگاه در واشنگتن، کارتر در این مورد پیام‌هایی برای رهبران سرپرده و ضد خلقی مصر، عمان، عربستان و پاکستان ارسال داشته است. آمریکا به کمک این رژیم‌ها، که علیه مسلمانان واقعی کشور خود و مردم مستضعف خود علیه کشورهای انقلابی اسلامی، بویژه ایران، دست به توطئه می‌زنند، سعی میکند طرح‌های تجاوزکارانه خود را علیه خلقهای کشورهای اسلامی اجرا کند. هدف دیگر امپریالیسم آمریکا آن است که از یکسو با تشکیل این کنفرانسی برای سرپرندگان خود از قبیل سادات و رژیم عربستان و سلطان قابوس آبروئی دست‌وپا کند و از سوی دیگر با شرکت احتمالی رهبان مترقی کشورهای اسلامی در این کنفرانسی، حیثیت این رهبان را لکه‌دار سازند. باید این توطئه امپریالیسم آمریکا را افشا کرد.

نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین از کمک اتحاد شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان حمایت میکند

فاروق قدوسی رئیس‌دائرة امور خارجی سازمان آزادیبخش فلسطین از کمک نظامی اتحاد شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان حمایت نمود. فاروق قدوسی اظهار داشت کمک مسکو به کابل ناشی از نیازات مغر ضانه نبوده است، قدوسی خاطر نشان نمود که امریکا قصد دارد ثروت‌های طبیعی ایران و افغانستان را غارت کند و تلاش میکند در خلیج فارس و خاور میانه قدمی اظهار داشت کمک مسکو به



حقوق بشر آمریکایی برای کودکان ماهم مهم‌ممانیست

حفاظت از اصلاحات ارضی گروهی از دهقانان مازندران تلگرامی برای امام خمینی و شورای انقلاب فرستاده‌اند که رونوشت آن به «مردم» رسیده است. در تلگرام چنین میخوانیم: «ما دهقانان روستاهای بخش چیکرود، از توابع قائمشهر حمایت همهجانبه خود را از شورای انقلاب اسلامی ایران مبنی بر اصلاحات ارضی زمین به نفع دهقانان اعلام میداریم و خواستار اجرای هر چه زودتر آن هستیم. دهقانان روستاهای بخش چیکرود از توابع قائمشهر،

چرا ضدانقلاب می‌تواند از انتخابات ریاست جمهوری سوءاستفاده کند؟

به آن عده از نامزدهائی است که شاید صلاحیت برای ریاست جمهوری داشته باشند. لازم به تذکر است که عده «کاندیداهای» ریاست جمهوری در ابتدا از ۱۲۰ نفرتر بوده‌است، که در تاریخ ۱۵ دی ماه، ۱۸ تن آنها بعلت عضویت در ساواک، سوابق سوء کفبری و غیره از فهرست کاندیداهای حذف میشوند. آقای سهندس حسن شهرستانی، مدیر کل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد ملی، در تاریخ ۱۸ دی ماه در این مورد می‌گوید: «برای ما جای بسی تأسف است که وابستگان به رژیم گذشته و یا کسانی که با ساواک همکاری داشته‌اند یا جاسارت فراوان اقدام به گرفتن پروانه انتشار روزنامه کرده و حتی پارا فراتر گذارده و خود را کاندیدای ریاست جمهوری می‌کنند، زیرا در دو مورد مشاهده کرده‌ایم افرادی که بخطر داشتن مدارک همکاری با ساواک پس از بررسی تقاضاهایشان برای دریافت امتیاز نشریات از طرف وزارت ارشاد ملی رد شده است، نامشان در لیست کاندیداهای ریاست جمهوری دیده میشود! (اطلاعات ۱۸ دی ماه) جالب است بدانیم یکی از دو ساواکی که خود را کاندیدای ریاست جمهوری کرده بود، بنام حسن جنابزاده، در دوران رژیم پهلوی نیز در تاریخ ۲۷/۷/۵۷، ضمن نامه‌ای برای شاه مخلوع، خود را داوطلب پست نخست‌وزیری (بجای از هاری) کرده بود! (اطلاعات ۲۷/۷/۵۷) حجت‌الاسلام موسوی خوئینی روز ۱۸ دی در جمع ۱۰۶ کاندیدای باقی‌مانده (۱) ریاست جمهوری در وزارت کشور، ضمن سخنانی، کسانیک را سابقه همکاری با رژیم

سفر پهلوی داشته‌اند، تهدید به افشاکاری می‌کنند میگوید: «این قبیل افراد که از رژیم گذشته تبعید و تشریف کرده و برای هویدا و نصیری مقدم نامه نوشته‌اند، باید از لیست نامزدهای ریاست جمهوری تصفیه شوند، وگرنه ما خود با افشاکاری از طریق رادیو و تلویزیون آنها را تصفیه و رسوا خواهیم کرد.» ولی علیرغم این تهدیدات، تنها ۳۰ نفر انصراف خود را از نامزدی اعلام میکنند (کیهان ۲۲ دی) (لازم به تذکر است که طبق گفته آیت‌الله خوئینی، برخی از منصرفین بعلت عضویت خود در جامعه روحانیت از نامزدی انصراف حاصل کرده بودند، که البته وابستگان به رژیم پهلوی اکثریت را داشته‌اند.) آیت‌الله موسوی خوئینی، بعنوان نماینده امام در کمیسیون نظارت بر تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری با داوطلبین مساجه‌ای انجام میدهد و با نتیجه ۶۰ نفر دیگر از تبلیغات ریاست جمهوری محروم میشوند و ایشان کسانی هستند که آیت‌الله خوئینی از آنها با عنوان «آشفال» نام می‌برد. ما نیز با این اقدام و درست حجت‌الاسلام موسوی خوئینی در پاکسازی کاندیداهای ریاست جمهوری از «آشفال»ها کاملاً موافقیم. برای ما نیز بجای بسی تأسف است که وابستگان به رژیم گذشته و یا کسانی که با ساواک همکاری داشته‌اند یا جاسارت فراوان، خود را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند. ما نیز وجود اینهمه مزدور و قبیح را تلاش ضدانقلاب برای «افشاح» و «هرج و مرج» کشاندن انتخابات ریاست جمهوری و «مبتذل» کردن این

انتخابات در «انظر جهانیان» میدانیم. ولی ما همچنین متأسفیم که هیچیک از ستولان امر به دلایل وجود چنین نارساییهای توجه نکرده‌اند. هیچیک نکوشیده‌اند از برای معلول «علل» این فاجعه را دریابند و دلیل جاسارت ضدانقلاب و موقوف توطئه‌های ضدانقلاب را توضیح دهند. هیچکس به این مساله نپرداخته‌است که چگونه ضدانقلاب می‌تواند با این «واقعیت»، دم شیر را به بازی بگیرد. واقعیت آنستکه ضدانقلاب بدینجهت این چنین جسور و بی‌روا شده و حتی مزدوران شناخته‌شده‌اش را نامزد ریاست جمهوری می‌کند که در واقع دست‌های «شیر انقلاب» را تا حدود زیادی بسته‌اند، تیغ تیز دادگاههای انقلاب را به کندی کشانده‌اند، هزارها ساواکی و شکنجه‌گر و جنایتکار را معفو کرده‌اند، محافل نامعلومی با تمام قوا از انتشار لیست ساواکیها و افشای آنها مخالفت می‌کنند. در چنین شرایطی آیا طبیعی نیست که حتی پس از اخطار جدی حجت‌الاسلام موسوی خوئینی، ۶۰ «آشفال»، با «واقعیت» میدان را خالی نکنند! آری، می‌توان ساله را همانگونه که حجت‌الاسلام موسوی خوئینی حل کردند، حل کرد، می‌توان «آشفال»ها را بیرون ریخت و توطئه‌های ضدانقلاب را در اینمنورعقیم گذارد. ولی در مورد ضابطیهای دیگر ضدانقلاب، که هم اکنون در نقاط گوناگون کشور بدست همین مزدوران انجام میشود، چه می‌توان کرد؟ آیا تنها توضیح چگونگی توطئه‌ها کفایت میکند؟ زمانیکه قاطبیت و برندگی دادگاههای انقلاب را به آنها بازگردانیم، کمیته‌ها و پاسداران را از عوامل ساواک و «مسایه تصفیه کنیم، جنایتکاران را به مجازات رسانیم، آری، تنها در چنین زمانی است که ضدانقلاب جرات بازی با دم شیر را بخورد راه نخواهد داد.

الغای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است، ضربه‌ای است به امپریالیسم توطئه‌گر،

هنر

نمونه تازه‌های از سرفت ادبی

کار دزدی آثار نویسندگان و مترجمان بالا میگردد و متأسفانه تاکنون تدابیری که جلو این سرفت را بگیرد، از جانب مقامات مسئول اتخاذ نشده است. نامه‌ای که از جانب فریدون تنکابنی، نویسنده سرشناس، در این باره به «مردم» رسیده، افشاگر نمونه تازه‌های از سرفت ادبی است.

وی چنین نوشته است:
آقای سردبیر روزنامه
خواهشمند است لطفاً رسیدن این توضیح ضروری را در
سختین شماره آن روزنامه درج فرمائید.

«چای و گپ و سیاست» تقلبی هم به بازار آمد!

در کشور ما زبانی که ناشران به نویسندگان می‌رسانند، تنها زبان مادی نیست. از آنجا که مأمدهاست جماعت ناشر را می‌شناسیم و از این مأمده انتظار معجزه امانت و صداقت نداریم، دندان طمع را کنده‌ایم و آب پاکیزدست خود ریخته‌ایم. آن‌ها هم ما را می‌شناسند و دندان ما را شمرده‌اند و میدانند که هر قدر هم که در دهان اسب فصاحت در میدان بلاغت، تیز تک باشد، در عرصه کار و کاسبی و مادیات کمیت مان سخت لنگ است. هر کار دلشان میخواهد میکنند. کتابهای ما را با اجازه و بی اطلاع، با قرارداد و بی قرارداد بارها و بارها چاپ میکنند و به قیمت خون مرحوم ابویوشن می‌فروشند و پیشی هم نمی‌دهند و در این میان تنها لحن و تفریق خواننده ناآگاه نصیب ما میشود که به اشتباه می‌اندیشد ماینز کیمه‌ای به وسعت آرز ناشران دوخته‌ایم و به غلط تصور میکنند که ما را هم از این نمده کلاه می‌اند!

کتابچه که زبان، تنها زبان مادی نیست، که زبان مادی کوچک است و زبان معنوی بزرگ و لطیف و سنده آن عظیم و جبرانش دشوار. مثلا نویسنده‌ای، به هر علت، مایل نیست کتابی را که یکبار چاپ کرده، بار دیگر به همان صورت چاپ کند، میخواهد آن دست‌برد و تغییر دهد و تجدید نظر کند.

اما ناشری که یکبار کتاب را چاپ کرده (و یا حتی هرگز چاپ نکرده) آن را ملک مطلق خود میدانند و نویسنده را داخل آدم هم حساب نمی‌کنند که به او اطلاعی بدهد و اذاج آزادی بگیرد، و علم هم خواست و میل نویسنده، آن را بارها و بارها چاپ میکند. نویسنده به جهنم، که ناشران، این «کتابان روشنفکر» و «ناشران معنویت» حتی حدود و حقوق معنوی یکدیگر را نیز، که هر بقال و قسای خود را موظف به رعایت آن میدانند، مراعات نمی‌کنند و کتابهای هم‌دیگر را «چاقی» و «دزدکی» بشیوه افست، که در حقیقت تیغ در کف زنگی مست، است، چاپ می‌زنند.

این بار اولی نیست که بلا بر سر من نازل میشود، اما بار اولی است که به سبکی جدید و نوظهور نازل میشود و بقول معروف: «این جوش را دیگر ندیده بودیم»!

جزوه «چای و گپ و سیاست» را، که حاوی نوشته‌های طنز-آهنگی درباره رویدادهای سیاسی و اجتماعی مینماید، از فروردین انقلاب و اندک کمی پس از آن است، ناشری پاناسخ و کهنه شدن بسیاری از مطالب آن چاپ کرد. پس از چاپ پیش از انتشار، آن را مرور کردم و چون دیدم که برخی مطالب دیگر کهنه شده و برخی مطالب را دیگران چندین بار تکرار کرده‌اند که سخت من ابطال گردانیده و برخی دیگر از موضوعها هم با تعلق امروز من از جریانها و رخدادهای مینمان مناسب نیست و ممکن است بهانه سوء استفاده مخالفان و منافقان و مماندان انقلاب اسلامی ایران، از این مانده‌های دریم بگیرند و در اوایلها را چپ‌نماها و افراطیون و کاسه‌های افتر از آتی، شود. از ناشر خواستم که در پی زبان مالی را به تن خود بماند و آن مطالب را حذف کند و مطالب تازه‌تری را به جایش بگذارد که خواننده هم زیاد مینماید. ناشر هم چنین کرد و کتاب همین روزها بوسیله انتشارات نیل منتشر میشود. اما در این میان شریک خودم، یعنی نسخه‌ای از کتاب را از چاپخانه می‌زدود و چاپ می‌زند و پیش می‌کند.

ناشری که چنین کرده، فقط سودجو و سوء استفاده چس نیست، دشمنی بدخواه و رذل است، زیرا مطالبی را که من قبایل انتشار ندانسته و بار کرده و در ریخته‌ام، دزدانه و رذیله‌انه برداشته و چاپ کرده و به نام من به خواننده قالب کرده، یعنی به با حیثیت من بازی کرده است و هم خواننده را فریب داده. اگر موضوع بر سر نوشته‌های دیگر من بود، سخن نمی‌گفتم و اعتنائی نمی‌کردم، اما در این مرحله حساس مبارزه با امپریالیسم نوکران داخلی است، که هر کس برستی انقلابی است و دیگری به کفش نیست، در خط انقلاب خلق، خط وحدت، خط امام است و مبارزه قلمی و قدیمی من هم در گذشته و حال نشان میدهد که در همین سراط مستقیم طی طریق میکنم، به هیچ وجه مایل نیستم برای خواننده‌ای سادسمل این داوری شتاب زده پیش آید که مرا نیز با مخالفان و منافقان و مماندان انقلاب، خدای ناکرده، به یک جشوال بریزد. و به هیچ وجه منی خواهم دشمنان انقلاب آگاهانه و از سر بنطلمنی حتی از یک کلمه من به سودنیات پلید خود، سوء استفاده کنند. در هر حال، از خوانندگان عزیز، برادرانه تمنا دارم اگر خواستند لطفاً بکنند «چای و گپ و سیاست» را بخورند و بخوانند، دقت کنند و مراقب باشند که کالای بدل و تقلبی و قاچاقی بجای کالای اصلی، به آنان فروخته نشود. و از دوستان کتاب فروش نیز تقاضا دارم این کالای حرام را نخرند و بفروشند. نشانه نسخه اصلی این است که نام و نشان ناشر (انتشارات نیل) را دارد و بوسیله آن موسسه یا ناشران معتبر دیگر توزیع میشود و نویسنده فقط نسخه‌هایی را معتبر و مطمئن بخورد و بداند که آراء و انتشارات نیل را داشته باشد. البته مرتکب این دزدی آشکار و سوء استفاده رذیله‌انه در مراجع قانونی نتعب خواهد شد.

فریدون تنکابنی
(۱۳۵۱/۱۰/۳)

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

بوسمن ولنا: آیه یاس در زندگی سیاهان...

بوسمن ولنا

نوشته: آتول فوگارد

مترجم و کارگردان: رجب محمدین

بازی: جمشید جهانزاده، فرزانه نشاط خواه، صمدنالیینی

«بوسمن ولنا» نمایشنامه‌ای از «اتول فوگارد» به کارگردانی «رجب محمدین» به روی صحنه در «تالار مولسوی» است. نمایشنامه‌ای که مایه از واقعیت گرفته و بی هیچ دخل و تصرف و کم و کاستی از جانب «فوگارد» به تماشاگر عرضه می‌شود. در حقیقت «فوگارد» در «بوسمن ولنا» به نسخه برداری از آنچه که در زندگی دور و اطرافش را می‌بیند، بیشتر است. بی کمترین خلاقیت و ابتکاری. «بوسمن ولنا» برداری تنها یادداشتی مصور از زندگی روزمره سیاهانی است که از سالها دور بهمین عنوان گذرانده‌اند که امروز...

بی گفتگو و اغراق، اما این شیوه زیست در طاقت هر کسی نیست، زندگی‌ای نکبت‌بار، فقر زده و توهمین شده، که بر دو پای تری و حقدارت ایستاده است. زندگی‌ای پر درد، سرمانده و بی رمق، که سر تا پایش را با خاکستری رنگ زده‌اند و زندگی‌ای آمیخته با سخت و خوار، بلا و معیبت که هر لحظه اش قاجمه بار است. سیاه روزیایی، با همین مصالح زندگی را ساخته است که سوزناک، سیاه نچری‌های این «سروش محتوم» را همانگونه پذیرا شده است که سودانی بر خورد «فوگارد» به عنوان یک هنرمند، با تمامی این واقعیت‌های توان کش و طاقت طاق کن، با این شرایط بر هم زنده و پیریشان کننده، با سر اسری ظلم و ستم و فقر محرومیتی که گریبانگیر «جامعه سیاه» بوده و هست، برخوردی آنتیپان غیر عملی و سطحی است، که تنها «لنا» به جان آمده راه «فرزادگان» و گهگاه نیز بر خاشتهایی بی‌ثمر و «بوسمن»

«فوگارد» در این اثر نسبت به جامعه با دیدی کلی روپرو میشود، به تجزیه و تحلیل مناسبات درون آن و سرچشمه‌شان نمی‌پردازد.



راه تسلیم پذیری‌ای در پناه بطری‌های عرق و گریزهای بی‌سرانجام و ادانسته است.

«بوسمن ولنا»

در آواره سیاه، خرد شده زیر بار مناسبات سیاه سفیده، به تنگ آمده از تحمل حضور بی‌چون و چرای «ارباب»، شولای فقر و بدبختی و رنج و بی‌پناهی بر تن و خرت و پریت‌های صد تا یک غاژشان، بردوش، در گریز همیشگی و پایان ناپذیر خود، از این خرابه به آن، از این مراداب به آن دیگری، از این لجنزار به لجنزاری دورتر... سر نوشت بر ناستستی و درم خورده، خود و میلیونها سیاه چون خود را با تماشاگر در میان گذارند. آنها قربانیان جسم نظام و حیثانه‌ای هستند، که تار و پودش را از تمیض نژادی یافته‌اند. «چیزدارهای سفید» یکبار به سه چرم می‌گیرند و یکبار هم به چنایت «سیاه». «چیزدار سفیدی»، که هر چند دیده نمی‌شود، ولی حضورش در لحظه لحظه زندگی آنان حس میشود، زیرا این زندگی است از دولتی سر او.

«لنا»، کلفت سیاه پیشین، که «دیگر» توانی در زانوان خود ندارد، و تقاس «دی چیز بودن»، «سیاه بودن» و در برابر بوسمن «فان بودن» را یکجا پس می‌دهد، تمامی ظلم و ستم و بی‌عدالتیها، سراسر زور گولیا و اجحافها، توسریها و لگدها، تحقیرها و توهمینها، سزماها

و آرزوگرها و... را پذیرا میشود، تن به شرایط می‌سپرد، در زندگی تنگین و دردناک خود می‌پوسد، و تنها به پر خاش گهگاه علیه حاکمیت نظام موجود، علیه ارباب و علیه بوسمن اکتفا می‌کند.

بوسمنی که خود بیشتر از اورد و گرفتار این واقعات خوار کننده و ظالم فرورفته - بی آنکه دست و پایی هم حتی زده باشد - بیشتر از اول تسلیم، مطیع و سر بر آه است، بوسمنی که تمنا منده خصوصیات انسانی را در انتها پیش روی زده و از همه ناگهنا و بیغولها جاگداشته و بولدوز زرد رنگ سفیدها، آنرا، مثل همه چیزهای دیگر، در هم کوبیده و از این برده است. بوسمنی که بهر حال آموخته به «خود» بیندیشد، بیغول خود، غذای خود، عرق خود، آزادی خود... حفظ کند و بسا «کاکا

سیاهی، از نوع خود، همانگونه رفسار نماید که «سفید پوستها» باز او برای سفیدها چه خوش رقصیها که تکرده است! او در برابر «سفیدها» سیاه و در برابر سیاهان سفیده است. «بوسمن ولنا» «فوگارد» آیه یاس در زندگی سیاهان است. آیه‌ای که با نگاهی مهربان و پر محبت به انسان، با نگاهی انساندوستانه خواننده میشود. «فوگارد» در این اثر نسبت به جامعه با دیدی کلی روپرو میشود، به تجزیه و تحلیل مناسبات درون آن و سرچشمه‌شان نمی‌پردازد.

با چهره وحشی و درنده تمیض نژادی با سلاح علم و منطق روپرو میشود، جوهر زندگی، مبارزه و تلاش برای دستیابی به هدفی والا را نادیده می‌گیرد. قهرمانان خود را بی‌پشتوانه، کوشش و امید به صحنه وارد میکند. اجازه میدهد تمامی فقر و بدبختی قاجمه بار گذشته و حال خود را از سر حوصله و سیر توضیح دهند. همانجا سر نوشت محتومشان را در زندگی «کاکا سیاهی» پیرو درمانده به نمایش می‌گذارند - مرکب بی‌پناه و شکنین در تاریکی سرد شبی بی ستاره - اما قدرت هر گونه واکنش را از آنان می‌گیرد و بی دلیل بر قدرت «تحمل» باور نکرده‌شان می‌افزاید. به این ترتیب «بوسمن ولنا» هر چند از زرق و برق زرقای واقفیت زندگی سیاهان مایه می‌گیرد، اما نمیتوان آن را اثری «واقع گرا» نامید، زیرا فاقد تلاش و مبارزه است، حتی از کنار رنگ روشن امید هم نمی‌گذرد.

رجب محمدین را از کارهای دیگرش، «شیافت و میراث»، «لوتر»، «بیرج» و... می‌شناسیم. در این اجرا با تجربه بهتر و مبتکرتر می‌نماید. تنها قبل از ورود ویس مرد به صحنه، با دقایق بازیافت میکند، حرکات تکرار میشوند. جا بجا بیاید غیر منتظرانه بنظر می‌رسد - که بیشتر باید از چشم طراح صحنه دید - و بدو بدو و باز دوها بیشتر مصنوعی. بازی جمشید جهانزاده چشمگیر بود، به استثنای لفظاتی که دست کرده بود، ولی در قالب «مستی» شکل نداشت. همانطور هم فرزانه نشاط خواه، که تنها نارسایی صدا و آهنگ یکنواختش، که بیشتر از آن سیمپدین تارهای صوتی ناشی می‌شد، سبب گردید تا شخصیت «لنا» بیچاره کمتر اسبل معرفی شود.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبهم انقلابی است.

چرا دهقانان نباید زمینهای غصبی اصغر زمانی، آدمکش و شکنجه‌گر معروف ساواک را شخم بزنند و برای خود بکارند؟

رو نوشت نامه‌ای با مهر و امضای شورای ده «فیروز بهرام» (از روستاهای شهری) و نمایندگان «جهاد سازندگی» آن قریه، که اصل آن به شورای انقلاب اسلامی ایران نوشته شده است، با تفصیح چهار فوکی از جهاد سنده، به دفتر «مردم» رسیده است. - سند اول، مورخ ۵۸/۹/۳، صورتجلسه‌ای است با امضاء و اثر انگشت حدود ۳۰ نفر از روستائیان «فیروز بهرام» - غار غربی، که طی آن شورای پنج نفری جهاد سازندگی خود را انتخاب کرده‌اند. - سند دوم، مورخ ۵۸/۵/۱۶، نامه‌ای است با امضای رئیس دفتر نخست وزیر، که در آن اعلام شده است: «آقای اصغر زمانی فرزند احمد... ستوان یکم بازنشسته عضو اداره کل سوم ساواک بوده است.» - سند سوم، نامه‌ای است با مهر و امضای جهاد سازندگی روستای «جهاد سازندگی» (از روستاهای شهری) به عنوان «شورای محترم فیروز بهرام»، که در آن نوشته شده است: «زمینهای مرحوم ستوان علی اصغر زمانی را نگذارید بکسی زیر کشت برود، زیرا که آن زمینی ساواکی این نیست، این زمین تعلق دارد به وادارین ایشان (۱) و به باغ و زمین ایشان (۱) کسی حق ندارد مزاحمت ایجاد کند.» - سند چهارم مورخ ۵۸/۱۰/۶، پیرو سند سوم است که می‌نویسد: «آقایان با اصلاح شورای فیروز بهرام شما از طرف مرجع ذیصلاح تمیین نشده‌اید. از این تاریخ شما حق دخالت به کارهای مردم ندارید...» اینک شورای ده «فیروز بهرام» و نمایندگان جهاد سازندگی آن روستا در نامه خود از شورای انقلاب اسلامی ایران می‌پرسند چرا و به چه علت جهاد سازندگی چهار دانگه، شکنجه‌گر معروف ساواک را زیر حمایت خود قرار میدهد، در حالیکه نامه نخست‌وزیری رسماً ساواکی بودن «علی اصغر زمانی» را تأیید میکند! در نامه آمده است: نظر به اینکه تمامی اموالی را که این شخص ساواکی معروف با شکنجه و رشوه و زور سر نیزه ساواک بدست آورده و به زور از مردم اخذ کرده است و حتی حسینی شکنجه‌گر دیگر ساواک هم با او در این املاک شریک است و در این زمینهای دارد، پس چرا در حکامی که دهقانان محروم و بی زمین می‌خواهند زمینهای این چابکداران و آدمکشان را کشت کنند و از این راه به مملکت و انقلاب خدمت کنند، در چنین لحظاتی حساس، عناصری در «جهاد سازندگی» چهار دانگه، مانع اجرای دستور امام میشوند و جلوعار انقلابی دهقانان را با پنهان کردن حقیقت می‌گیرند؟

اخبار دهقانی

برادران پاسدار از دهقانان زحمتکش حمایت میکنند

روز سه شنبه ۱۱ دیماه ۱۳۵۸ عده‌ای از پاسداران به طرفداری از کشاورزان دست به راهپیمایی زدند و خواستار انحلال شورای پنج نفری، رفع اختلافات بین ثنودالبا و کشاورزان شدند، زیرا شورای پنج نفری از عوامل ثنودالبا تشکیل یافته بود و این در نتیجه نفوذی بود که ثنودالبا در دادگاه انقلاب داشتند و متأسفانه دادگاه انقلاب بملت رخنه اشخاص ناباب بسود بزرگ مالکان موضع-گیری کرد. موضوع از این قرار است که کشاورزان قریه بابلکنار، بر سر تقسیم زمین با ثنودالبا درگیری پیدا میکنند. ثنودالبا، با نفوذی که در دادگاه داشتند، سه تن از کشاورزان مبارز را دستگیر و زندانی میکنند، این عمل دادگاه انقلاب خشم پاسداران انقلاب را برانگیخت، که متوجه حقیقت مستقیمین روستاها بودند، برانگیخت آنان علیه عناصر ناباب دادگاه انقلاب بابل و ثنودالبا دست به راهپیمایی زدند و خواستار آزادی کشاورزان زندانی شدند و دستگیری و مجازات ثنودالبا را طلب کردند. پاسداران همچنین خواستار اجرای طرح استاد رضا اصفهانی شدند. فرمای آن روز (چهارشنبه ۱۲ دیماه) عده زیادی (بیش از ۵۰۰ نفر) از روستائیان قریه بابلکنار، سوزی کله، نخ کلا - در حالیکه بیل و داس در دست داشتند، دست به راهپیمایی در خیابانهای بابل زدند. آنها نیز خواستار دستگیری و مجازات ثنودالبا شدند و از طرح استاد رضا اصفهانی پشتیبانی کردند. روی پلاکارتهایی که حمل میشد، نوشته شده بود: کشاورز پیروز است - ثنودال نابود است. طرح رضا اصفهانی مورد تأیید ما کشاورزان است. شماره‌های دهقانان عبارت بود از: کشاورز پیروز است - ثنودال نابود است. کشاورز زندانی، آزاد باید گردد. طرح استاد رضا اصفهانی اجرا باید گردد - شورای پنج نفری الغاء باید گردد. این دادگاه انقلاب حامی سرمایه‌دار - سهام پاسداران یاور مستمندان سهام پاسداران امید ملت ماست - رهبری حسین اساس وحدت ماست

حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین مصممانه پشتیبانی میکند

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که:

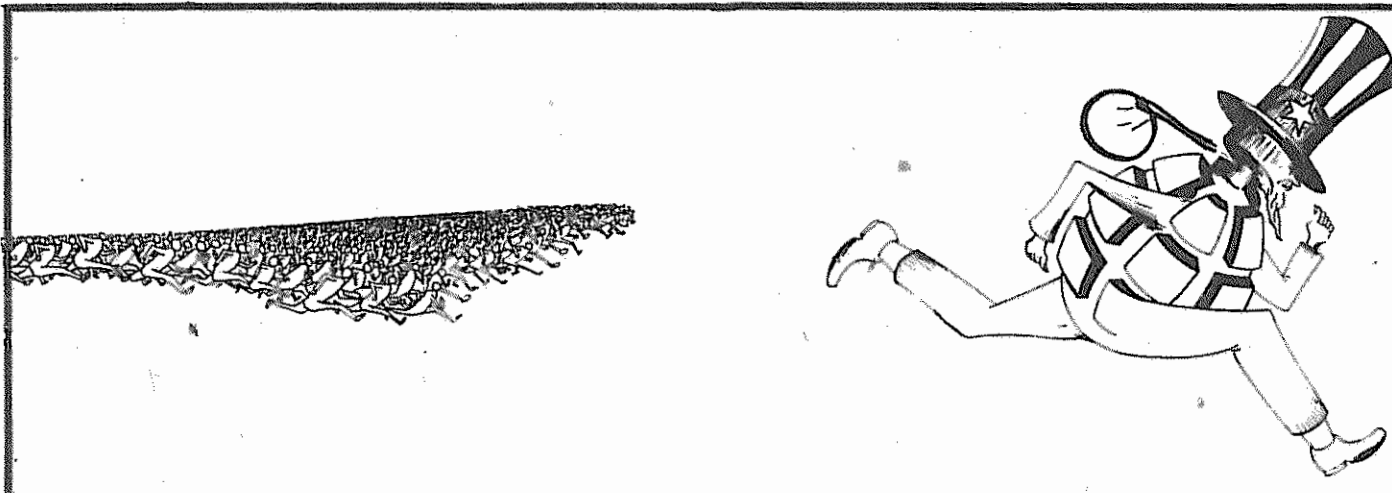
برنامه کار خود را بطور روشن و مشخص اعلام دارند تا مردم و همچنین احزاب، سازمانها و گروههایی که کاندیدای مستقل ندارند - از جمله ما - با آشنائی باین برنامه، بتوانند با آگاهی کامل انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری بعمل آورند.

حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که:

نظر خود را درباره برنامه انتخاباتی حزب توده ایران اعلام دارند تا هم مردم و هم حزب ما بتوانند با مواضع، افکار و نظریات کاندیداهای ریاست جمهوری درباره نسوازی اجتماعی - اقتصادی جامعه ما در مقابله با برنامه انتخاباتی حزب توده ایران بهتر آشنا شوند و بازم بتوانند با آگاهی کامل تری انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری بعمل آورند.

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت تکین و متفورخاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهیدت رسیده اند، جمع آوری کند. از همه میهن دوستان و آزادی خواهان قاضا میشود که عکس تکین و متفورخاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی دفتر «مردم» مراجعه کنند. باسپاس - «مردم»



سیستم بانکی در نظام اقتصادی

در هر نظام اقتصادی - اجتماعی، سیستم بانکی و بطور کلی سیاست اقتصادی و مالی دولت در مسیر حفظ منافع آن گروههای اجتماعی - سیاسی قرار میگیرد، که حاکمیت را بدست دارند. نمونه بارز در این زمینه، کشور خود ما در دوران سلطه رژیم سلطنت متفورخاندان است.

در آن ایام، نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در کشور، توسعه سریع سیستم بانکی را ضروری ساخت. به همین سبب در فاصله زمانی اندکی دهها بانک خصوصی و مختلط تأسیس شد. بانکها از لحاظ سرمایه و نقدیه به چنان مرحله ای رسیدند، که بتدریج عملکرد آنها کلیه عرصه های اقتصادی را فرا گرفت.

پانکداران خصوصی در ایران نقش مهمی داشت. مثلا، اعتبار بانک مرکزی به پانکهای خصوصی از ۴/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۲ به ۹۹/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ رسید، یعنی بیش از ۲۲ برابر شد. در اول سال ۱۳۵۵ سهم پانکداری خصوصی در دارائی سیستم بانکی نزدیک به ۳/۵ بود. هزاران شعبه بانکی پراکنده در سراسر کشور پس انداز پولی صدها هزار ایرانی را در پانکها، بویژه پانکهای بزرگ متمرکز کردند. فروش سهام، سیردهای دیداری و مدت دار و غیره به یکی از منابع عمده پانکها تبدیل شد، بطوریکه میزان سرمایه ها به ۷/۵ برابر کل سرمایه (سرمایه پرداخت شده، علاوه اندوخته قانونی و احتیاطی) پانکهای خصوصی رسید.

پس اندازها و سیردهای اندوخته شده در پانکها، در اختیار عده کمی از سرمایه داران، بویژه قشر فوقانی آن به شکل اعتبار و سرمایه گذاری در مؤسسات صنعتی وابسته قرار گرفت. اکثر این گونه سرمایه داران، خود در عین حال صاحبان سهام پانکهای بزرگ نیز بودند. بدینسان سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم، انباشت و اندوخته جامعه را برای گسترش نظارت خود بر اقتصاد بکار گرفتند. سرمایه و اندوخته این پانکها در شرایطی عمل میکردند که وابستگی صنایع ایران به جهان غرب روز بروز ژرفتر میشد، کشاورزی رو به نابودی میرفت و توده های انبوه زحمتکش در منتهای فقر و تنگدستی بسر میبردند.

روزنامه «مردم»، در ۲۷ آذر ۱۳۵۸، نظام اقتصادی مصوب قانون اساسی را بر اساس پیشی که حزب ما از آن دارد، مورد بررسی قرار داد. سیستم بانکی نوین نیز از دیدگاه این نظام اقتصادی باید ارزیابی شود، یعنی از دیدگاه تقویت هر چه پیشتر مالکیت دولتی و تعاونی، در عین حمایت از مالکیت خصوصی به مثابه مکمل دو بخش دیگر اقتصاد ملی. علاوه بر این، تحقق نظام اقتصادی مصرح در قانون اساسی تغییرات مهمی در بازرگانی خارجی، از طریق ملی کردن آن و شرکت بخش دولتی در بازرگانی داخلی را نیز در بر میگیرد. این بدان معناست که سیستم بانکی باید مجموعه تولید اجتماعی، توزیع و غیره را در بر گیرد.

قطعه ناه مشهور ک هیئت نمایندگی فدراسیون دانشجویان پاناما و هیئت نمایندگی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

هیئت های نمایندگی فدراسیون دانشجویان پاناما و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران پیرامون مسائل انقلاب ایران، جنبش جوانان و دانشجویان ایران و جنبش ضد امپریالیستی خلق پاناما و مبارزات دانشجویان و دانش آموزان پاناما، بویژه برای استرداد شاه مخلوع به ایران و مبارزه علیه امپریالیسم فارتکر آمریکا به مذاکره، تبادل نظر و بحث نشستند و به نتایج زیرین رسیدند:

- دو هیئت نمایندگی بر آنند که انقلاب ایران که با شرکت همه طبقات و اقشار خلقی و ضد امپریالیست و برهبری امام خمینی انجام گرفت، یکی از مهم ترین انقلابهای دهه اخیر جهان است که تأثیرات عظیمی چدر سطح منطقه و در سطح جهانی بجا گذاشته و می گذارد.
- این انقلاب توازن قوا را در منطقه خاورمیانه بنفع خلقهای تحت ستم بهزد و محاسبات استراتژیک امپریالیسم جهانی، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، را به بر ریخت.
- دو هیئت نمایندگی پیروزی انقلاب ایران را به پشابه یک عامل مؤثر در مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای تحت ستم سراسر جهان ارزیابی کرده و دسیسه های ارتجاع و امپریالیسم

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

مساحبه مطبوعاتی اعلام داشتند که حساب سرمایه گذاری از وام جدات و از این پس در مورد صنایع کوچک به دریافت کارمزد اکتفا میشود و حتی در مواردی که دولت تشخیص دهد، خود پرداخت کارمزد را تقبل مینماید. ولی بگفته ایشان در مورد سرمایه گذاریهای بزرگ بانک، به سورت شرکت سهمی هم از سود حاصله خواهد برد. بنظر ما صنایع کوچک باید ترمیف شود و شوابط روشنی برای تشخیص آنها تعیین گردد و راههای صنعتی در اختیار این صنایع گذارده شود. و اما منظور از سرمایه گذاریهای بزرگ، صنعتی روشن نیست. در گذشته اینگونه سرمایه گذاریها یا از طرف بخش دولتی و یا از جانب بخش خصوصی بعمل می آمد. در مورد اول، وضع روشن است و دولت در درجه اول سرمایه گذار عمده در این زمینه خواهد بود و سیستم بانکی نیز باید در این مسیر حرکت کند. در مورد دوم، با توجه به وابستگی صنایع بزرگ متعلق به سرمایه داران بزرگ به انصارات بین المللی، و در اجزای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این صنایع باید ملی اعلام شوند. بدینوسیله است تا زمانی که این امر حیاتی به انجام نرسیده، پرداخت هر نوع وام به صنایع مورد بحث باید ممنوع اعلام گردد.

وامها و تسهیلات اعتباری بازرگانی و سایر خدمات

در دستور العمل بانک مرکزی در مورد این گروه از وامها گفته میشود: «سرخ کارمزد کلیه وامها و تسهیلات اعطائی برای امور مربوط به بازرگانی و سایر خدمات ضروری ۴ درصد دسبال است، که به سورت ساده محاسبه خواهد شد. در بخش خدمات چون سود ناشی از عملیات بازرگانی بسیار بالاست و از طرفی تنوع رشتهها در این مورد زیاد است لذا تصمیم بر این گرفته شده که حداقل سود تضمین شده ۱۶ الی ۸ درصد به تشخیص آن بانک باشد. بدینوسیله است از کلیه بازرگانان و اشخاصی که در سایر خدمات فعالیت میکنند، انتظار میرود در صورتیکه سود بیشتری علاوه بر سود بر آورد شده اولیه تسهیل کنند، سهم بانک را پرداخت نمایند.»

این ماده از دستور العمل بانک مرکزی، مرزی برای سود بازرگانان و اشخاصی که در سایر خدمات فعالیت دارند، تعیین نمیکند و عملا راه را برای ترقی قیمت ها، که پارسکتی بیرونی زحمتکش است، هموار میسازد. بنظر ما، یکی از وظایف عمده نظام جدید بانکی جلوگیری از سیر صعودی هزینه زندگی است. به همین سبب ما معتقدیم که وامها و تسهیلات اعتباری بازرگانی و خدماتی باید در جهت تقویت شبکه های تعاونی در عرصه های توزیع و خدمات باشد.

در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارائی را مورد ارزیابی قرار میدهم. چندی پیش آقای وزیر امور اقتصادی و دارائی طی یک مساحبه مطبوعاتی حذف بهره بانکی و پرداخت حداقل سود تضمین شده به صاحبان سیردهای بانکی و همچنین اخذ کارمزد از وامها و تسهیلات اعطائی و چگونگی مشارکت بانکها در سود تضمین ناشی از مصرف وامها را بجای آن اعلام داشتند. بنا بر توضیح ایشان دستور العمل بندی بانک مرکزی ایران در بخش های مختلف بشرح زیر بعمل میشود:

بنظر ما وظایف سیستم بانکی عبارت خواهد بود از:

● تمرکز عملکرد سیستم بانکی، از طریق ادغام بانکها و تقییل محسوس آنها بر حسب نیازهای اقتصاد ملی.

● دموکراتیزه کردن - به معنای خلقی کردن شیوه اداره امور بانکها.

● گسترش مناسب شبکه بانکی در سراسر کشور، از راه تقییل شیبات پیشی از پانکها در شهرهای بزرگ و بمنظور تأمین رشد همگون ترکیب جغرافیائی (منطقه ای) اقتصاد ملی، با در نظر گرفتن تسریع رشد اقتصادی مناطق عقب مانده.

الف وامهای مسکن

بانکها از این پس در قبال وامهای مسکن تنها به دریافت ۴ درصد کارمزد اکتفا میکنند. حزب توده ایران در مورد چگونگی حل مشکل مسکن و نقش بانکها در این زمینه کرا را نظرات خود را اعلام داشته است. به عقیده ما وامهای مسکن باید فقط در اختیار شرکتهای تعاونی مسکن و افرادی که برای ایجاد خانه های ارزان قیمت تقاضای وام میکنند، قرار گیرد و مراقبت کامل بعمل آید که اینگونه وامها در اختیار سازندگان مجتمع های مسکونی گذارده نشود. در این مورد بهترین راه تمرکز، ایجاد مجتمع های مسکونی در دست دولت است.

ب وامهای کشاورزی

به وامهای اعطائی به این بخش ۴ درصد در سال کارمزد تعلق خواهد گرفت. در این زمینه گفته میشود که با توجه به سیاست کشاورزی دولت در مورد بعضی از طرحها، قسمتی از هزینه کارمزد توسط دولت پرداخت خواهد شد. بمنظور حمایت جدی از کشاورزان خرده و افزایش تولید کشاورزی، حزب توده ایران عقیده دارد که شرکتهای تعاونی تولیدی باید بطور چشمگیری تقویت گردند و وامهای با کارمزد اندک و حتی بدون کارمزد در اختیار آنان قرار گیرد.

پ وامهای تولیدی و صنعتی

آقای وزیر امور اقتصادی و دارائی در مورد تأیید قرارداد و پشتیبانی قاطع خود را از آن اعلام داشت. دو هیئت نمایندگی خواستار آن شدند که دولت پاناما در تسهیلات خود تجدید نظر کند و شاه خائن این چنانیکار بین المللی را بمنظور اجرای عدالت انقلابی به مردم ایران مسترد دارد. هیئت نمایندگی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران پشتیبانی خود را از دانشجویان و مردم پاناما در مبارزاتشان برای اجرای دقیق قراردادهای جدید در مورد کانال پاناما ابراز میدارد و تجاوزات اخیر امپریالیسم آمریکارا در این مورد محکوم می نماید.

● دو هیئت نمایندگی در پایان بر ضرورت اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و ترقیخواه دانشجویی و دانش آموزی جهان در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، تأکید کردند و آمادگی خود را برای گسترش همه جانبه مناسبات برادرانه ابراز داشتند.

● دو هیئت نمایندگی اقدامات ضد انقلابی باصطلاح سفارت ایالات متحده آمریکا، که در واقع خانه جاسوسی و توطئه امپریالیسم آمریکا بود، محکوم کردند و پشتیبانی خود را از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ابراز داشتند.

● هیئت نمایندگی فدراسیون دانشجویان پاناما حمایت همه جانبه خود را از مبارزات ضد امپریالیستی جوانان و دانشجویان و دانش آموزان ایران ابراز داشت و آمادگی خود را برای ادامه مبارزه در جهت تحقق خواستهای بحق مردم، جوانان، دانشجویان و دانش آموزان ایران اعلام داشت. هیئت نمایندگی حقانیت خواست. های مردم زجر کشیده ایران در مورد استرداد شاه سابق به ایران را

منتشر شد:

از خواب تابیداری
(متن افزوده از تنظیم یافته)
زردشت اعتمادزاده

از کتکهای رفقا

و دوستان سپاسگزاریم

خانم م.م. ۱۰۰۰ ریال
خانم ا.ب. ۱۰۰۰
آقای ا.م. ۱۵۰۰
ششم ۲۸۲۰

ا.ک. محمدپور کمالی شاعر اهواز
پادوقعه شمر رسیده.

حسن از خرمشهر ۱۰۰۰۰ ریال
م.ن. کلهر، بند عباس ۵۰۰ تومان

دیرکل فدراسیون دانشجویان پاناما :

انقلاب ایران، انقلابی عمیقاً ضد امپریالیستی و خلقی است

نمایندگان فدراسیون دانشجویان پاناما، که بدعوت سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به کشور ما آمده بودند، پیش از بازگشت بسوی وطن، در دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، با دیرکل کمیته مرکزی، رفیق نورالدین کبائوری، دیدار و ملاقات نمودند.

«مردم» فرصت را غنیمت شمرد و با «ساریوپاتنز» مصاحبه‌ای اختصاصی کرد، که در زیر به بخش‌های عمده آن ازنظر خوانندگان میگذرد.

رضا اصفهانی: سند مالکیت ارضی قلابی است و تصرف مالکان جنبه عدوانی دارد

صافطور که امام گفتند اربابان و صاحبان اراضی دلیلی بر مالکیت جز سند مالکیت قلابی و تصرف عدوانی ندارند. بنابراین عده‌ای ممکن است سند مالکیت هم داشته باشند، ولی این اراضی تصرف عدوانی بوده و سندهم قهراً در آن شرایط که طاغوت حکومت میکرد و اینها از آزادی طاغوت بودند، اینها سند داده شده است. مثلاً همه اراضی کبندرا بنام خاندان پهلوی ثبت کرده بودند و سند هم داشته است.

کیهان، ۲ دی

را پذیرفته است که قوای نظامی آن کشور بیش از حد ضروری در افغانستان نخواهند ماند.

کیهان، ۲۲ دی

بیشتر اعضای کادر سفارت جمهوری اسلامی ایران در زاین، غالباً در محل مأموریت خود نیستند و در ضمن اکثر اعضاء همان‌هایی هستند که در زمان طاغوت سرگرم خدمت به رژیم منحوس سابق بودند.

اغلب مطبوعات زاین ضمن دفاع از شاه مخلوع و کارگر علیه رهبری انقلاب و ماهیت «تصعب‌آمیز و ضدتمدن» انقلاب قلمفرسایی می‌کنند.

ترجمه مصاحبه مطبوعاتی خبرنگار زاینی با امام که در زاین پخش شد با اصل متن ترجمه تفاوت کلی داشت. به این معنی که بجای ترجمه دقیق، مطالب دلخواه خود را گذارده بودند.

(اطلاعات، ۱۸ دی)

امپریالیسم ژاپن برده‌وار در خدمت آمریکاست!

از پیام سازمان دانشجویان مسلمان عضو کنگره فدراسیون: دانشجویان مبارزان اکنون دیکتاتور مزدور و جنایتکار به زباله‌دان تاریخ افتادند و شما این را مدیون خون هفتاد هزار شهید کلکون کفن خلفامان هستیم. اکنون وظیفه اصلی ما حراست از خون شهدا و ادامه راستین راه آنهاست. چرا که هنوز پایگاه‌های امپریالیسم برچیده نشده و تازمانی که برچیده نشود آزادی‌بخش‌های مستعدین ما تحقق نمی‌پذیرد.

سرمایه‌های خارجی در ایران ملی می‌شود

آمریکا ۱۴۲، ژاپن ۱۶۷، آلمان غربی ۶۵، فرانسه ۲۹، ایتالیا ۲۹، انگلستان ۲۱، هلند ۱۱، سوئد ۸ میلیون دلار در ایران سرمایه‌گذاری کردند و میلیاردها دلار ثروت ملی ما را غارت کردند.

یک اقتصاددان: ملی کردن سرمایه خارجی در ایران از نظر مالی برای ما مهم نیست، چون اکثر سرمایه‌هایشان را خارج کرده‌اند ولی از جهت سیاسی و سازمان و قطع وابستگی اهمیت دارد.

امپریالیسم هیچگاه پول کلانی به ایران نیاورد و همواره با ثروت و وام‌هایی که از دولت ایران می‌گرفت سرمایه‌گذاری میکرد و میلیاردها دلار منافع به جیب می‌زد.

(کیهان، ۲۰ دی)



شعار انقلابی: «مردم» (پیش از انقلاب)

آزادگان - ۲۲ دیماه ۱۳۵۸

امپریالیسم میکوشد با طرح توطن‌ها و شعارهای انحرافی مبارزه را از مسیر اصلی و اصولی منحرف سازد

امپریالیسم میکوشد که با طرح توطن‌ها و شعارهای انحرافی مبارزه را از مسیر اصلی و اصولی منحرف نموده و به کانسالهای انحرافی سوق دهد. وظیفه شما عزیزان که در این برهه از زمان بی‌خیالتر و سازنده‌تر از گذشته است، خنثی کردن همین توطن‌ها است.

جبهه متحد نیروهای خلقی برای پیشبرد خط امام و وثیقه‌غلبه بر ضد انقلاب است

کود بوجود آورنده آنها از همان زرداخته رژیم پهلوی دستکام ساواک و سایر کار را به قرض گرفته‌اند و دست شیه زمان طاغوت، عباراتی نظیر «توده‌ای‌های بی وطن»، «کونیست‌های بی‌دین»، «وابستگان به سیاست خارجی» و امثال این تهمت‌های یوغ را بر حمله تبلیغاتی خود قرار میدهند. البته باید افزود که هستند محافل دیگری هم که متأسفانه در این دام می‌افتند و به تشویر توهین‌های سابقاً ساواکی و اکنون ضدانقلابی، علیه توده‌ای‌ها میگردانند. اما اصل مسئله عبارتست از سازمان دادن تبلیغات ضدتوده‌ای توسط عناصر ضدانقلاب. حتی شمارهایی که در دیوارها علیه حزب ما نوشته میشود، اغلب کار عناصر وابسته به ساواک و «خبرکاران» که ما توتیت‌ها هم با آنها همکاری و «صمیمانه» دادند.

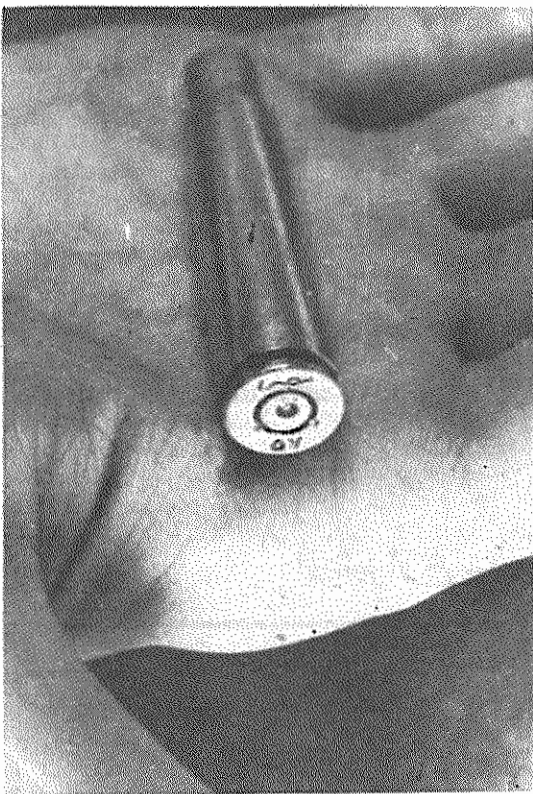
برای هر انقلابی صدیق و هر ایرانی علاقمند به سرنوشته‌ها، همین مهم است که به ملت این حملات تبلیغاتی توجه کند و بداند که دشمن انقلاب ما بی‌جهت از یک سو به امام و وطن او و از سوی دیگر به توده‌ای‌ها و مشی‌امیل حمله نمیکند. دشمن دیده است که امام در خط ضد امپریالیستی و خلقی قاطع، پیگیر و آشنای ناپذیر است. دشمن دیده است که حزب توده ایران آنچه را که عده‌و اساسی در خط امام است، یعنی خصلت ضد امپریالیستی و خصلت خلقی

بقیه از صفحه ۱ برای رسیدن به این هدف، ضد انقلاب تنها به مسلح کردن دست نهنگار آدمکشان بارها انداختن دستجات چماقد بدست و جاقو کشی، تنها به کشتن و سوزاندن و شکنجه بستن نمی‌کند. ضدانقلاب همراه آن شیوه‌ها، یک رشته تبلیغات بسیار پردامنه نیز علیه انقلاب برآمده‌اند، که تأثیر آن دست کمی از سایر توطن‌هایش ندارد.

یکی از جهات اصلی این تبلیغات، رهبر انقلاب و سیاست قاطع و بی‌گنجهت و جهت دیگر تبلیغات ضدتوده‌ای، با حمله به امام خمینی، با اسائه ادب و رایج ساختن انواع تهمت‌ها بصورت‌های مختلف، ضدانقلاب این امید عبث را دارد که بین توده‌ها و رهبر انقلاب شکاف ایجاد کند، مردم را دلزد کند و آنچه را که مایه قوت و قدرت انقلاب بود، بی‌مایه و دست گرداند. ضدانقلابیون و سازشکارانی که اکنون آب به آسیاب آنها میریزند، از یک سو خود انواع مشکلات ایجاد میکنند، یا از مشکلات موجود و نارسائی‌ها سوءاستفاده میکنند، و از سوی دیگر دست به تبلیغ می‌زنند ولی نیز حملات متوجه امام خمینی، رهبر انقلاب می‌سازند.

همین محافل و نیروها ضمن حملات سبانه خود را متوجه حزب توده ایران می‌سازند و میکوشند تا یک جوش توده‌ای

دست مصر در حوادث کردستان



این پوکه فشنکی است که هواداران حزب توده ایران از دستة جلال حسینی در کردستان بدست آورده‌اند.

پرسیشی از مقامات مسئول درباره پیروان شاپور بختیار در حزب ایران

در «مردم» شماره ۱۴۰ بر سبهای خود را از پیروان شاپور بختیار در حزب ایران در مورد علل دفاع از بختیار، پشتمنی‌های این‌خان، شرکت در توطئه ضد انقلابی حزب جمهوری خلق مسلمان در تبریز و فعالیت علیه رهبری انقلاب، که قبلاً نیز مطرح شده و بلاجواب مانده بود، تکرار کردیم. در همان روز روزنامه اطلاعات، نامه‌ای از آقای رسول مهربان، عضو سابق کمیته مرکزی حزب ایران انتشار داد که در آن آقای مهربان اعلام کرده بود که سه ماه قبل از حزب ایران استعفا کرده است. در این نامه آقای مهربان علت استعفا خود را «وجود جریان انحرافی در حزب ایران و دخالتی که عوامل ضدانقلابی و طرفداران شاپور بختیار در عملکرد سیاسی حزب ایران بحد قاطع اعطل می‌کنند» ذکر می‌کند.

او می‌افزاید که «متأسفانه با همه تلاشی که بعمل آوردم، ضعف رهبری دیر حزب و دست‌بندی محکم جناح طرفدار بختیار، که مستقیماً از خارج کشور حمایت و کمک میشود، حرکت حزب را به طرف امیال ضدانقلابی بختیار تسرع کرده».

در همین روزنامه، در کنار نامه آقای مهربان، نامه‌ای نیز از دبیر کل حزب ایران، آقای ابوالفضل قاسمی چاپ شده است. ایشان در این نامه به لحن امتیاز «جبهه آزادی»، از کان حزب ایران اعتراض کرده و گفته‌اند: «اعلام لحن امتیاز جبهه آزادی، ابراز تاسف مردم آگاه مینماید. پرسش را از این عمل وزارت ارشاد ملی (بعثت شد). و اینکه چرا وزارت ارشاد ملی متقاضی امتیاز جبهه آزادی را در ردیف کسانیکه «وابستگی آنها به رژیم گذشته بوده است»، اعلام کرده است.

آقای قاسمی سپس در مورد «مبارزات» حزب ایران داد سخن داده و گفته‌اند که این حزب «همیشه در خط استقلال ایران و مبارزه با هر بیگانه استعمارطلب و منافع ملت محروم ایران حرکت کرده است». ایشان افزوده‌اند که «کدام حزب ایران فقط «بساداری» راستین از بنیادهای اسیل انقلاب و حفظ جمهوری اسلامی از سیاست‌های مختلف و زنده نگاه داشتن روح مینماید. پرستی و... بوده است.

اخبار کارگری

در کارخانه پرسی کولا چه می‌گذرد؟

کارخانه پرسی کولا در تهران در دوران انقلاب دستخوش آتش‌سوزی شد و بعداً با همت کارگران، شورای کارخانه و بنیاد مستضعفین مجدداً شروع بکار کرد. شورای کارخانه در حال حاضر یازده عضو دارد. از این تعداد چند نفر نیز نماینده مدیریت هستند. این مسئله مورد اعتراض کارگران است. کارگران معتقدند که در شورا باید فقط نمایندگان کارگران شرکت کنند. از دیگر مواردی که موجب اعتراض کارگران شده، انجام نشدن انتخابات شورا پس از پیروزی انقلاب است. چندین نماینده کارگران شورا به همین جهت به وزارت کار مراجعه کرده‌اند. وزارت کار در پاسخ اظهار داشته که تا پایان انتخابات ریاست جمهوری، برگزاری انتخابات شوراها مجاز نیست. در حال حاضر شورا رسماً در صدد برآمده است که نمایندگان مدیریت را اخراج و نمایندگان کارگران را جانشین آنها کند. بنیاد مستضعفین تاکنون بنحو مساعدی در ترقی و تقویت امور اقتصادی کارخانه فعالیت کرده است. کارخانه فعلاً با کمبود بتری مواجه است. کارگران امیدوارند با تولید بیشتر در تابستان، اوضاع کارخانه را بنحو مطلوب سر و سامان دهند و کمبودها را جبران نمایند. از اقدامات مثبتی که اخیراً شورای کارخانه انجام داده، تهیه سرویس رفت و آمد و تدارک شرکت تعاونی برای کارگران است. ساختمان این شرکت تعاونی در دست احداث است. کارگران یکبارچه معتقدند که با هبستگی و با حرکت در راستای انقلاب قادر خواهند بود با تمام مشکلات موجود روبرو شوند و موانع را از پیش با بردارند.

چه کسانی کارگران را اخراج میکنند؟

چندی پیش یکی از کارگران اخراجی کارخانه پشم شیشه مشهد، شکایت خود را از کارفرما به اداره کل روابط کار تسلیم کرد. کارخانه مذکور بیست کارگر دارد که نیمی از آنان را افغان‌ها و بلوچ‌ها تشکیل میدهند. کارگر اخراجی که بیش از چهل سال داشت، درباره علت اخراج خود از کارخانه اظهار داشت: «چهار سال است که به گواهی دفترچه بیمه‌ام در کارخانه پشم شیشه مشغول کار می‌کنم. صاحب کارخانه «محمود عیادی» که قبل از دایر کردن این کارخانه، در شرکت «پشم‌شیشه ساراول» در تبریز شریک بود بحرم اختلاس از شرکت اخراج شد و هنگام دایر کردن کارخانه پشم شیشه مشهد، من را، که تا آن زمان در یک کارگاه سرب زیزی کار می‌کردم، به استخدام خود درآورد. پس از سه سال کار در این کارخانه، ماکارگران متوجه شدیم حق بیمه‌ای که از حقوق ما کسر می‌شود به وزارت کار پرداخت نمیشود و به جیب کارفرما می‌رود. از آن پس ماکارفرما را مجبور کردیم که حق بیمه مذکور را به مقامات مسئول وزارت کار تحویل دهد. کارفرما به علت تلاش‌هایی که من در این زمینه بعمل آوردم، از شش ماه پیش، با اینکه همچنان مشغول کار هستم، از پرداخت مستمرم خودداری میکند. البته سود ویژه شش‌ماهه دوم سال ۵۷ را هم به کارگران نپرداخته است». این کارگر اخراجی در ادامه سخنان خود گفت: «کارفرما شش‌ماه پیش من را اخراج کرد. من به کمیته امام مراجعه کردم و کمیته کارفرما را وادار کرد مرا بپذیرد. کارفرما ظاهراً با حضور من در کارخانه مخالفتی نکرد، ولی از دادن مستمرم منصرف شد. بخاطر همین امر دوهفته است به تهران آمده‌ام تا شکایت خود را از کارفرما در اداره کار دنبال کنم».

ما توجه آقای قاسمی را به پیروان شاپور بختیار خان در اظهارات آقای مهربان و حقایق حزب ایران، که به گفته عضو فراوان دیگر که دلیل برداختن سابق کمیته مرکزی آن، مستقیماً پیشگی اختصار آمیز، پیروان از خارج کشور حمایت و کمک شاپور بختیار در حزب ایران است، میشود، همچنان به فعالیت جلب میکنیم و تنها از مقامات خرابکارانه و ضدانقلابی خود سؤال می‌کنیم: ادامه میدهند؟ چرا عوامل مشکوک و ضدانقلابی

با اتکاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

نهای ارانی

نیل ارانی
آن نهای که ارانی بنشاند
و بچنان آتش داد
عقیق حوزة نیود
کز نسیمی شکند
راهپویان باخون
بازگشتش دادند
تا درختی است کنون
آن نهای که چنین گفته سترگ
تویی ای حزب بزرگ!
حزب آن توده معروف که بر برگ و نواست
تویی ای بار و بر آورده درخت
که جو امید به دل با برجاست

از شیراز غ - ن

کاخ بیدار بزم کنیم

خانم حزب که کشیم آب و

رفقای حزبی، هواداران،
دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواستیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد
تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای
خریدن و با ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک
شود در این جنبش هیستری خلقی شرکت کنید.
کمک مالی خود را به نام رضاشاد کوی، شماره بانکی ۸۶۸،
بانک تهران، شعبه ایران شهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به
تمام شعبه های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک
کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به
آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر،
شماره ۶۸ ارسال دارند.

از نامه رفیق کارگر علی ازهاوز:

رفقای عزیز،
بنا بر وظیفه روح انقلابی مبارزین راه طبقه کارگر، من
که خود کارگر تمدنی هستم و همیشه بفکر راه نجات و
خلاصی از استبداد انسان از انسان هستم، و بدین سبب با اشتیاق
تمام سوسیالیسم علمی را فرا گرفته ام و با راهنمایی تئوری
مارکسیسم-لنینیسم، که در تاریخ پرده نفوذ کرده، قدم مبارزه
گذاشته ام و سالها زنده ای و محرومیت کشیده ام، لذا طبیعی
است که خانواده ام از افکار و مبارزاتم آگاه باشند. بدین
سبب با افتخار میگویم که تمام خانواده ام، که تعدادشان ۵ نفر
است، همه توده ای هستند و بدین دلیل از مصمم قلب برای
جواب مثبت بفرار خوان حزب توده ایران برای خانه حزب
و هر چه که صلاح بدانند ۵۰۰۰ ریال از طرف شخص من و از
طرف خانم و دخترانم ۹ عدد لیکوطلا (حلقه طلائی بزرگ)
با رغبت تمام تقدیم میگردند. امید است در آینده بتوانیم
با فرصت بیشتر و ابتکارات بهتر کمک بیشتر و مؤثرتری
بنمائیم و در آینده قسمتی از وسایل زندگی را که بر ایمان
مقدور هست، تقدیم میکنیم.

نمایشگاه بیاد
دکتر تقی ارانی
رهبر زحمتکشان
ایران

مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۳۵۹-۹۳۵۲۸۸
چاپ، کلویان

MARDOM
No 141
13 January 1980
Price:
West - Germany
0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.

قبول «تعهد انقلابی» به عشق عدالت اجتماعی و علیرغم خطرات آن، کاری است دشوار، ولی پر افتخار

حزب نیرومند ولی غیر مشکلی در
کشورما (و شاید در بسیاری از کشورها)
وجود دارد که مردم ظریف و پندله گوی ایران
به آن نام مناسب «حزب باه» داده اند. در
واقع در معارف اسلامی نیز از انبوهه پشه ها
(همچون رعی) سخن میگویند که در ورزش
بادباین سمت و آن سمت میروند.

حزب باه، تابع قدرت
و پیروزی است، هر جا قدرت
و پیروزی است، پاهرجا
حس میشود که قدرت و
پیروزی در آن سمت خواهد
بود، پاشتاب، سرانجام
نشاخته، بان سو رویا ورد.
برایش فرق نمیکند،
امروز پای شاه را میبوسد،
روز دیگر ریش میگذارد و
تسبیح بدست میگیرد و
اگر زمانی هم لازم بداند،
کتاب «کاپیتال» را زیر
بغل میزند و شمارهای
«سرخ» میدهد. فقط طوری
باشد که به جان و مال او
و نزدیکیاش (البته بخصوص

او) فقط سینه ای نخورد
بلکه بر عکس نفع برسد
نسخه، نسخه امتحان شده ای
است!
این یکی از جلوه های
زشت فلسفه خود خواهی مطلق
است که نظام سو رویی ملی
قرنها و قرنها تلقین کرده
است، «کلام خودت را محکم
بگیر»، «هر که در استقامت
دالانیا»، «هر طرف باد
باید ما پادیده ایم»، «ما
نوک خاکیم نه نوک
پادمان»، «و دهامثل از این
نوع مثل های پلید در زبان
ما وجود دارد، که نشانه
دمازگری و فرست طلبی و

این وقتی است.
غالباً از ما تا تعجب
میرسد، «واقعا شما خیال
میکنید در این روشی که در
پوش گرفته اید، موفقی
خواهید شد؟» و وقتی شما
جواب میدید،
«موفقیقت یا عدم
موفقیقت شرط نیست، شرط
صحت و اوسولیت مثنی است،
شرط آنست که عمل شما در
جهت تکامل و ترقی تاریخی
باشد. شرط آنست که شما
قبال جامعه پرورنده خود
اجرا کنید، و لو در سر این
عمل هستی خود را نیز از
دست بدهید! «آنگاه شما
تکه کربن عاقل اندر سفیه»،
به چهره شما نظر می افکنند
نزد خویش میگویند،
«یکی از دوشق، اگر
دروغ میگوید، که، حقه-
باز است، و اگر راست
میگوید، که دیوانه است.»

آری، بنظر اینها،
دیوانگان و حقه بازان وجود
دارند، ولی قهرمانان و
مبارزان تعهد در مقابل
جامعه ما وجود ندارند.
مناویها و عمر و عاصرها
وجود دارند، ولی علی ها و
حسین ها وجود ندارند!
درواق نیز قبول تعهد
انقلابی در آستانه تاریخ
شریت، در آستانه وجدان
انسانی، در آستانه عدالت
اجتماعی، علیرغم خطرات
مهیسی که این تعهد بهار
میآورد، کاری است بسیار
بسیار پر افتخار.
مطلب پرس آن نیست
که کسی از شکجه واعدام،
زندانی و در بددی خوش
بیاید، مطلب پرس آن
نیست که یک انقلابی زنده گی،
خاواده، راحتی و امنیت را
دوست ندارد و با اصطلاح
«تنش میخورد»، مطلب پرس
سر آنست که اقلیت زورگو

و راهزنی در جامعه ورد
قبیله انسانیت موجود است
که در دست از همین ترس
خودخواهانه برای رسیدن
به تسلط خون آلود و
فارتکرانه خویش استفاده
می کند. برای آنکه این
کردنه، از این راهزنان
قلدر خلاص شود، تا
کاروانهای نسلهای بعدی،
از آن دل آسوده بگذرند،
بلاخره کسانی باید جان
در تکمیل مذهب تجلی
درکف خود را بخاطر
افکنند. ترس ابدی
موجب ادامه ابدی ترس
است. بقول معروف، «هر که
یسکبار و شیون یکبار،
بشریت یکبار باید بساط
بهره کشی زراندوزان را
بسرچیند، و در این نبرد
سرشوش، مسلماً گروه
انبوهی نابود میشوند. از
بیم این خطر، نمیتوان و
نباید تسلط امرین را
جاوید ساخت.
به همین جهت است که

همه جنبشهای انقلابی ایثار
و شهادت را بر جسته
ساختند و شهیدان را محق
را تجلیل کردند. مارکس
میگوید، انسان بهر جهت
در جسم خود فانی است
و فقط در عمل خود زنده
و جاوید است. همین
جهت است که همه خلفا
شهیدان خود را، کور راه
حق آنها، از بدل جان نیز
حق نتافتند، مانند
موجودات مقدس تجلی
میکند. باید با فلسفه «حزب
باه» با تمام نیرو زمین
و به جامعه فسانه، تا زمانی
که با ندهر کتان بر بشریت
بصورت استعمارگران،
سرمایه داران، اربابها و
خانها حکم رواست، قبول
تعهد انقلابی در راه
استقلال عدالت اجتماعی
علیرغم خطرات آن، کاری
است هم ضرور و هم
سراپا افتخار.

آیا راست است:

● که در سازمان رادیو و تلویزیون آموزشی به پنهانهای مختلف از پاکسازی و تمهیدات سازد و رژیم منحل بهای در این سازمان سر بازمی زندند!

● و آیا راست است که بیشتر عوامل وابسته گذشته در این سازمان در دست خود ابقا شده اند!

● که آقای صالحی مدیر کل آموزش و پرورش مازندران در حضور ۳۰۰ نفر قضایی لیا س فوق لیسانس، که مدت ۳ ماه است هر روز به آن اداره مراجعه میکنند اعلام کرده است که «در آموزش و پرورش فقط فقط افراد مسلمان به کارگمارده می شوند و حتی پیروان سایر ادیان هم نمی توانند در این اداره استخدام شوند!»

● و آیا راست است که او گفته است: «چهار حق مسلم شدن ندارند، زیرا باعث پائین آمدن کیفیت اسلامی آموزش و پرورش می شوند!»

● و آیا راست است که آقای صالحی، که اخیراً آوساواکی به اسم محمد پیور و عندلیبی را پس از آزادی از زندان به کار گذاشته، معتقد است که، «مادر آموزش و پرورش ۳۰۰۰ آوساواکی داریم که بیرون کردن آنها را باید وزارت خانه تعیین کند. مساکاری نمی توانیم انجام دهیم!!»

● و باز راست است که آقای مدیر کل اعلام کرده است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد آموزش و پرورش صادق نیست و او افراد چپ را با اختیار خود از کار در آموزش و پرورش محروم می کند!

● خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیر بسا «مردم» مکتبه کنند

پاریس
Rigal Albert
BP 75160
75001 Paris
France

ایتالیا
Shams
Via G. Vincon, 44
Ostia (Rome)
Tel. 6614922 (TUDEH)
انگلیس
P. O. Box 141
London. E 70 PE

جلادان شیلی هم دولت انقلابی افغانستان را محکوم می کنند. چرا؟

خود نهاد باشند.
عمال امپریالیسم
می دانند و همین دلیل هم با تمام قوا از مسلمانان
افغانستان، دفاع می کنند و در همان حال با تمام قوا
برای نابود کردن «جمهوری اسلامی ایران»
تلاش می ورزند. آنها در واقع از «اسلام مستکبرین»
دفاع و «اسلام مستضعفین» را محکوم می کنند.
خبرگزاری فرانسه از آسمان، یعنی محلی
که دو تن از مسافران برای توطئه علیه انقلاب
ایران و افغانستان کرده آمده اند، گزارش
میدهند که،
«سادات و بکین در این گفتگوها موقفیت در
افغانستان و ایران را مورد بررسی قرار داده و
اعتراف و ادا شده است. واقفیت آنستکه مردم و
ارتش افغانستان، دولت انقلابی خود را واقفاً
نایبند خود و مدافع منافع خود می دانند و به
گروه های «سپاه» ساخته و یا آلت دست امپریالیسم
نیز، که جز از جانب فوئادها و مسالکان در دوران
کشور و از جانب کلیه نیروهای جنایتکار و
ارتجاعی جهانی پشتیبانی میشوند، پیشه دشمنان
خود می نگرند.
کلاشاسان دولت آمریکا، تأیید کردند که،
«با وجود گزارشهای بی دریغ در مورد مقاومت
شید در برابر مداخله شوروی در افغانستان،
نیروهای مسلمانان در افغانستان پراکنده است
و برغم گزارشهای گوناگون در مورد بیوستن
نظامیان افغانی به مبارزان مسلمان، موارد
نادری از فرار افراد ارتش افغانستان وجود
دارد و قسمت اعظم ارتش این کشور دست نخورده
باقی مانده است.»
(۱۹ دیماه، صدای جمهوری اسلامی ایران)

● «مداخله خارجی در افغانستان پیش در آمدی
جدی است که نمی توان آن را توجیه کرد»
و این درست در زمانی است که حکومت
عراق با ارسال اسلحه و پول برای گروه های ضد
انقلابی در دوران ایران، با تمام قوا علیه حکومت
انقلابی ایران، توطئه میکند و تحریکات را دامن
میزند.
رژیم خون آشام شیلی نیز از مملکت افغانستان،
مدافعه کرده است! کونالس، نماینده پیوتو،
جلاشیلی که رژیم قانونی و مترقی سالوادور
آلینده را سرنگون ساخت و هزارها نفر از مردم
مبارز شیلی را قتل و عام کرد، در سازمان ملل،
هنگام بحث درباره «مسأله افغانستان» گفته
است،

● «مداخله خارجی در افغانستان پیش در آمدی
جدی است که نمی توان آن را توجیه کرد»
و این درست در زمانی است که حکومت
عراق با ارسال اسلحه و پول برای گروه های ضد
انقلابی در دوران ایران، با تمام قوا علیه حکومت
انقلابی ایران، توطئه میکند و تحریکات را دامن
میزند.
رژیم خون آشام شیلی نیز از مملکت افغانستان،
مدافعه کرده است! کونالس، نماینده پیوتو،
جلاشیلی که رژیم قانونی و مترقی سالوادور
آلینده را سرنگون ساخت و هزارها نفر از مردم
مبارز شیلی را قتل و عام کرد، در سازمان ملل،
هنگام بحث درباره «مسأله افغانستان» گفته
است،

● «مداخله خارجی در افغانستان پیش در آمدی
جدی است که نمی توان آن را توجیه کرد»
و این درست در زمانی است که حکومت
عراق با ارسال اسلحه و پول برای گروه های ضد
انقلابی در دوران ایران، با تمام قوا علیه حکومت
انقلابی ایران، توطئه میکند و تحریکات را دامن
میزند.
رژیم خون آشام شیلی نیز از مملکت افغانستان،
مدافعه کرده است! کونالس، نماینده پیوتو،
جلاشیلی که رژیم قانونی و مترقی سالوادور
آلینده را سرنگون ساخت و هزارها نفر از مردم
مبارز شیلی را قتل و عام کرد، در سازمان ملل،
هنگام بحث درباره «مسأله افغانستان» گفته
است،

● «مداخله خارجی در افغانستان پیش در آمدی
جدی است که نمی توان آن را توجیه کرد»
و این درست در زمانی است که حکومت
عراق با ارسال اسلحه و پول برای گروه های ضد
انقلابی در دوران ایران، با تمام قوا علیه حکومت
انقلابی ایران، توطئه میکند و تحریکات را دامن
میزند.
رژیم خون آشام شیلی نیز از مملکت افغانستان،
مدافعه کرده است! کونالس، نماینده پیوتو،
جلاشیلی که رژیم قانونی و مترقی سالوادور
آلینده را سرنگون ساخت و هزارها نفر از مردم
مبارز شیلی را قتل و عام کرد، در سازمان ملل،
هنگام بحث درباره «مسأله افغانستان» گفته
است،

لیست ساواکی ها را منتشر کنید!